



Basam MAG



1 طوفان بسام به تهران رسید!

2 اناره روز و چله

3 بسام برگزیده جشنواره کشور

هشتمین شماره 8

رادیو بسام



نسخه PDF



پلا ارتباطی

SMS: 50002206226
WWW.BASAMMAG.IR
@BASAMMAG

الْمُؤْمِنِينَ
وَيَذَرُكَ
عَلَيْكَ
السَّلَامُ

هشتمین شماره از مجله بسیام را به یاد هشتمین خورشید تابانک آغاز میکنیم
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا المُرْتَضَى

BasamMag.ir



رادیو بسیام



مجلات بسیام را با آوای صوتی مطالعه کنید.

مجاهه بسام

شماره مجوز: ۲۰۱۱۶۹۸۸۷
دوره پنجم دانشگاه پوی فرهنگی اجتماعی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر

www.BasamMag.ir



دفتر مرکزی:
دانشگاه پرستاری، طبقه سوم
دفتر توزیع:
ساختمان امام خمینی، طبقه دوم
آدرس دانشگاه:
زنجان، کیلومتر ۴ جاده ترانزیت
اهر-خرمدره
پل ارتباطی:
۰۹۳۷۵۳۹۳۷۷۳



صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
مهدی محمدی

سرپرست:

فاطمه رحیمی هنرور



هیئت تحریریه:

مرضیه نقیلو، لیلا محمدی
میلاذ جعفری، مریم آقامحمدی
میترا ظارمی، فاطمه علیزاده

مسئول رادیو:

سیدرضا فتحی



طراحی بصری:

گروه فرهنگی مهندسی غوسافت
کانون فضای مجازی بسام

با تشکر ویژه از:

جناب آقای دکتر افشاری
جناب آقای دکتر پویامش
جناب آقای دکتر پیری
جناب آقای نقیلو
جناب آقای صدری
سرکار خانم عسگری



۴

عشق به زندگی
۲۰۱۸

۷

۶

تغذیه کودکان
معجزه ازدواج

۸

۱۰

داستان

۱۱

کتاب مفید

۱۲

رادیو یلدا

۱۴

روز دانشجو

۱۵

طنزگرام

۱۶

جبهه زندگی

۱۸

معرفی کتاب

۲۱

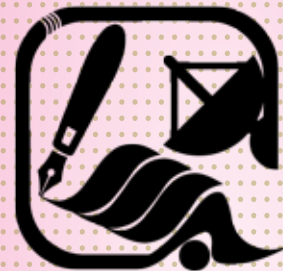
تیترا خبری

۲۲

کدبانو

شماره هشتم / سال دوم
آذر ۹۶ / دانلود نسخه PDF





کانون فضای مجازی و
نشریه ی فرهنگی اجتماعی
((بسام))

تاسیس: مهر ۱۳۹۵

کتابهای منتشر شده :



رایان آموز ۲
کتاب آموزشی مبانی
مهندسی وب
:ISBN

۹۷۸۶۰۰۴۳۴۱۳۳۲



نوازش عاشقانه خدا
رمان درام اجتماعی
:ISBN

۹۷۸۶۰۰۴۳۴۱۵۸۵

نوشتن اعجازی است که تک تک واژه هایش انسانی را جادو می کند، نوشتن می تواند امواج خیال را شناور کند تا به مقصد ساحل رسید. اما این کلمات را می توان در زندگی دید مثل عشق، کلمه ای که فوق العاده است.

گاهی بیشتر از آنچه که تصور می کنید می توانید از زندگی لذت برد، همراه کردن زندگی با عشق معجزه ای است که در زندگی هر فردی رخ نمی دهد.

می توان این باشد که کسی را دوست بدارید، یا به یک دوست قدیمی زنگ بزنید و مثل گذشته شروع به شیطنت کنید شوخی های بچگانه و کارهای خنده دار طوری که از شدت خنده اشک هایتان جاری شود.

از خوردن زیاد لواشک دل پیچیه گرفتید شاید بگویید کجای این اتفاق لذت بخش است اینکه شما می توانید بخورید که حتی در آن زیاده روی کردید و سالم هستید که بدنتان پاسخ می دهد لذت آور است.

وقتی به دوستانتان می رسید آنها را با لبخند همراهی کنید؛

مهربانی کنید اگر مهربان باشید با زندگی، خود، دیگران لحظه هایتان معنای دیگری پیدا می کند.

زیر باران گاهی بگذارید خیس شود تنتان و بی پروا آواز بخوانید خودتان را سرمست کنید.

زندگی مثل آسمان است صاف ولی گاهی این ابرهای باران زا به آسمان میاند و میگذرند ولی این باران ها به آسمان قدرت داده پس نگران ابرهای باران زای زندگیتان نباشید.

به این فکر کنید که شما می توانید پلک بزنید مطمئنم الان دارید امتحان می کنید، می توانید با موهایتان بازی کنید، می توانید تن صدایتان را بالا و پایین ببرید درست است چیزهای ساده ای هستند ولی بدانید اگر

نبودند مشکل بزرگی را ایجاد می کردند نگاه کنید شما چه معجزه ای هستید.

احساساتان را به زبان بیاورید اگر امروز خوشحالید بروز بدهید تا دیگران نیز شاد شوند، غم و شادی قدرت انتشار دارند.

در ترافیک گیر کرده اید و اعصابتان کم کم به هم می ریزد کافی است نگاهتان را عوض کنید کمی بیشتر دقت کنیم میبینید در ماشین کناری کودکی حوصله اش سر رفته و سرش را به شیشه چسبانده و شکلک در میاورد و به خودش میخندد و خنده نیز بر لبان شما می شنید، اینکه از شادی های زندگی لذت برد کار آسانی است اما اینکه بتوان شادی ساخت مشکل است.

پیش قدم شوید شادی را با تفریحات ساده بسازید، عشق به زندگی شما را وا می دارد که لحظه هایتان را طور دیگر رقم بزنید، سربه سر خودتان بگذارید در مقابل غصه هایتان.

در شادی مغز فعال تر می شود شاید راهی بیاید برای حل مشکلاتتان.

در گوش کسی که دوستش دارید زمزمه کنید که دوستش دارید و سعی کنید نشاط آور باشید، کودکان سر اینکه اسباب بازی دلخواه اش را نخریده اید به گریه افتاده است لذت ببرید چون می فهمید او بزرگ شده دارای تقاضا است دارای شخصیت شده که چیزی را می خواهد، از اینکه دختر نوجوانتان مدام با دوستانش بیرون می رود کلافه شده اید اما کمی لذت ببرید چون از نظر روحی سالم است که دارای دوستانی است.

شادی کنار غم ها معنا پیدا می کند به گذشته نگاه کنید که چطور گذشت و غم های جدیدی به زندگیتان آمده پس خود را بیش از حد درگیر نکنید، به زندگی عشق بورزید شاید لحظه ای دیگر نباشید...

سال نو میلادی ۲۰۱۸

مسیحیان ابتدای سال را اول ژانویه می‌دانند. همانگونه که ما ایرانیان ابتدای سال خود را روز اول فروردین می‌دانیم و اعراب ابتدای سال خود را ماه محرم می‌دانند. مبدأ تاریخ نزد مسیحیان تولد حضرت عیسی مسیح (ع) است که اتفاقاً در روز ۲۵ ماه دسامبر واقع شده یعنی یک هفته مانده به تحویل سال نو میلادی (همانگونه که مبدأ تاریخ شمسی ما ایرانیان و سال‌های قمری: ۱۲ ربیع الأول مصادف با هجرت پیامبر از مکه به مدینه است اما ابتدای سال، فروردین ماه در سال شمسی و محرم در ماه‌های قمری است)

روز اول ژانویه یا شروع سال ۲۰۱۸ برابر با روز دوشنبه ۱۱ دی ماه ۱۳۹۶ و مصادف با ۱۳ ربیع الثانی ۱۴۳۹

2018

در کشورهایی که از تقویم میلادی استفاده میکنند، سال نو معمولاً در اول ژانویه برگزار میگردد. در حال حاضر، جشن گرفتن سال نو یکی از بزرگترین رویدادهای جهانی میباشد. در شب ۳۱ دسامبر هر سال، آخرین روز یک سال میلادی و روز قبل از روز سال نو در بسیاری از کشورهای جهان، عموماً قاره‌های اروپا، آمریکا، استرالیا و بخش‌هایی از آسیا و آفریقا مراسم سال نو برگزار میشود. در فرهنگ جدید غرب این روز با گردهمایی‌هایی در مجالس و مهمانی‌ها برگزار میشود که انتقال سال را ساعت ۱۲:۰۰ شب جشن می‌گیرند.

بسیاری از فرهنگ‌ها در این شب از آتش‌بازی و دیگر روش‌های پرصدا برای جشن گرفتن استفاده می‌کنند. شب سال نو به صورت جهانی مطابق با تولد مسیح یا عرف‌نامه پس از میلاد در کشورهای مسیحی و حتی غیر مسیحی در ۳۱ دسامبر برپا میشود. شب سال نو همچنین به عنوان هفتمین روز کریسمس در مسیحیت غربی شناخته میشود.

چرا سال میلادی از اول ژانویه آغاز می‌شود؟

دلیل خاصی برای آغاز شدن سال میلادی از اول ژانویه ذکر نشده است زیرا اقوام مختلف هر کدام روزی را مبدأ سال خود قرار داده اند. مثلاً سال نو مقدونی‌ها در زمان اسکندر از پاییز شروع می‌شد و یونانی‌ها وسط تابستان

نشریات منتشر شده بسام:



بسام ش ۱ - مهر ۹۵



بسام ش ۲ - آبان ۹۵



بسام ش ۳ - آذر ۹۵



بسام ش ۴ - ویژه نامه عید اسفند ۱۳۹۵

را مبدأ سال خود قرار می‌دادند و ایرانی‌ها هنوز که هنوز است روز اول بهار را نوروز می‌دانند.

مسیحی‌هایی که اول ژانویه را مبدأ سال میلادی قرار می‌دهند مدیون رومی‌ها هستند، در عصر امپراتوری روم روال کار براین بود که کلیه مقامات مملکتی روز ۱۵ مارس (۲۶ اسفند) را روز آغاز خدمت قرار می‌دادند حتی قیصرها و کنسول‌های رومی نیز در این روز وارد عرصه کار می‌شدند. لیکن چون کنسول (فول دیویس نویلیور) به دلایلی چند موفق نشد در روز ۱۵ مارس زمام امور را به دست بگیرد و این مهم پس از مدتی تعویق در روز اول ژانویه میسر شد، آن روز را آغاز کار اعلام کردند. ژولیوس سزار هم به یک ژانویه وفادار ماند.

در سال ۴۶ قبل از میلاد، تقویم ژولیانی به دستور ژولیوس سزار تنظیم شد در این تقویم نه فقط اول ژانویه اول سال شناخته شد بلکه خود سال نیز به ۲۵/۳۶۵ روز تقسیم شد، زیرا همین مدت لازم بود تا زمین یک بار به دور خورشید گردش کند. به پاس این خدمت تقویم مذکور را ژولیانی گفتند و به پاس بزرگداشت ژولیوس سزار نام او را روی ماه ژوئیه (ژولیوس) نهادند.

کودکان کم وزن و لاغر اندام



عوامل مختلفی در تعیین وزن و قد و اندام کودکان دخالت دارد، ولی

چهار علت از اهمیت بیشتری برخوردار است :

۱- ارث و سرشت

۲_ مشکلات تغذیه ای و ایرادگیری در غذا خوردن

۳_ کودکانی که دچار مشکل پزشکی هستند

۴_ فعالیت و ورزش زیاد



بعضی از کودکان به نوع غذا و غذا خوردن دائمی ایراد میگردند و در نتیجه به مقدار کافی غذا نمی خورند تا انرژی لازم بدنشان مورد تامین قرار گیرد، در صورتی که در حال رشد هستند، بنابراین چربی ها ذخیره بدن آنها سوخته و عضلات آنها نیز لاغر می شود. در نتیجه وزن این کودکان کم است و اندام لاغر دارند. این وضعیت بیشتر از ابتدای سال دوم تا آخر سال چهارم تولد و با ایرادگیری نسبت به غذا به وجود می آید. ایرادگیری نسبت به غذا و غذا خوردن، یکی از نشانه های استقلال خواهی کودک می باشد و ممکن است سال ها ادامه یابد. پدر و مادر باید بدانند چنین کودکانی ممکن است گرسنه باشند و غذا نخورند، ولی غذا خوردن آنها به میزانی نیست که مخاطراتی برای آنها به وجود آورد و منجر به بیماری و مرگ آنها شود. در صورتی که غذا در دسترس این کودکان باشد، به مقداری غذا می خورند که سیر شوند و در عین حال توجه پدر و مادر را نیز به خود جلب نمایند. کودکانی که معمولاً باهوش هستند، چنین رفتار میکنند که نخوردن غذا برای آنها موجب توجه و نگرانی پدر و مادر گردد.

رفتار مناسب پدر و مادر با کودکان ایرادگیر: کودک را در خریدن مواد غذایی اولیه و آماده کردن و پختن غذا دخالت دهید، این عمل باعث ایجاد علاقه در کودک می شود و در نتیجه غذا را بهتر و بیشتر می خورد. اجازه دهید کودک در انتخاب مواد غذایی اولیه و پختن غذا اظهار نظر کند و نظر او را در این موارد بخواهید و عمل کنید.

۱_ کودکانی که از نظر ارثی و سرشتی کم وزن و لاغرند.

بعضی از کودکان با اینکه اشتها خوبی دارند و خوب غذا می خورند و فعالیت و جنب و جوش آنها خوب است، ولی نسبت به کودکان هم سن سال خود کم وزن و لاغر اندام هستند. این کودکان به صورتی ذاتی و سرشتی و ارثی کم وزن و لاغر هستند.

کودکان معمولاً جثه و اندام و شکل و قیافه خود را از پدر مادر و پدر بزرگها و مادر بزرگهایشان از اقوام نزدیک خود به ارث می برند. همان طور که بیشتر کودکان چاق، پدر مادر چاق دارند، کودکان کم وزن لاغر نیز ممکن است پدر و مادر، پدر بزرگ و مادر بزرگیشان لاغر و کم وزن داشته باشند.

چنین کودکانی معمولاً خصوصیات ویژه ای دارند، از جمله اینکه شانه ها و لگن آن ها کوچک، اندام بلند و مفصل های کوچک دارند و زیر پوست آنها کمی چربی وجود دارد. غذا خوردن زیاد و نوع غذا در وزن و اندام آنها تاثیری ندارد. اگر این کودکان غذا زیاد بخورند، موجب افزایش چربی در بدن آنها می گردد، ولی به عضلات و استخوانهای آنها اضافه نخواهد شد. به این گونه کودکان نباید اصرار کرد که غذا و مخصوصاً چربی و شیرینی زیاد بخورند، زیرا سلامت

آنها را به خطر می اندازد.

۲_ کودکانی که نسبت به غذا ایراد میگیرند و کم غذا

می خورند:



نشریات منتشر شده :



بسام ش ۵- اردیبهشت ۹۶



بسام ش ۶- اردیبهشت ۹۶



بسام ش ۷- آبان ۹۶
به ضمیمه نخستین
برنامه ی رادیویی بسام

دانلود این رادیو:
aparar.com/basammag



کلیپ های منتشر شده:



ویدیو کلیپ معرفی
عملکردهای حوزه فرهنگی
دانشجویی دانشگاه آزاد
اسلامی واحد ۱۳۹۵



ویدیو کلیپ معرفی فعالیت
های حوزه اداره ی فرهنگ
واحد ۱۳۹۶



پویانمایی آموزش وضو و
اذان برای کودکان

این اطلاعات مشکل کودک را مشخص خواهد کرد. اگر مشکل اجتماعی و مالی وجود دارد او را راهنمایی و اگر مشکل پزشکی وجود دارد به درمان کودک می پردازد. بنابراین به همه پدران و مادران توصیه می شود اگر رشد کودک شما کم است و زیر منحنی رشد طبیعی قرار دارد، از پزشک بخواهید کودک را مورد ارزیابی قرار دهد تا علت آن مشخص گردد. بسیاری از بیمارهای کودکان مانند عفونتهای ادراری و عفونت های گوارشی با درمان کوتاه مدت برطرف و کودک رشد از دست یافته خود را به دست می آورد و زندگی توأم با سلامتی خود را ادامه می دهد.

۴_ کودکان فعال و پر جنب جوش و ورزشکار:

بعضی از کودکان با وجودی که اشتها ی خوبی دارند و غذا خوب می خورند، باز هم لاغر و کم وزن هستند. اگر کودک فعالیت و جنب و جوش زیاد داشته باشد یا ورزش کند، سوخت و ساز و مصرف انرژی بدن او زیادتر از غذایی است که مصرف می کند، بنابراین وزن او اضافه نمیشود و لاغر می ماند. به چنین کودکانی باید غذای بیشتر با کالری بیشتری ارائه گردد.

در صورت امکان سعی کنید همه خانواده با هم غذا بخورید و هنگام غذا تلو یزیون خاموش باشد.

هنگام غذا خوردن فقط در مورد غذا و مزه غذا و طعم غذا مسائل مورد علاقه کودکان صحبت کنید و از طرح مسائل ومشکلات خانواده و بیرون از خانواده در هنگام غذا خوردن خودداری نمایید.

به کودکان همان غذایی را بدهید که همه افراد خانواده از آن می خورند. اگر برای کودک غذای اختصاصی تهیه می کنید، در وعده های اصلی به او ندهید بلکه قبل ظهر و یا بعد از ظهر به او ارائه نمایید.

اگر کودک غذای خود را نمی خورد، از او بخواهید علت آن را بگوید و غذای دیگری به او ارائه ندهید.

مواردی زیادی هست که ما فقط چند مورد آن را نام بردیم.

۳_ کودکان کم وزن و لاغر اندام که دچار مشکل پزشکی هستند:

هر کودکی که وزن و قد او روی منحنی رشد کودکان قرار نگیرد و اشتها ی او کم باشد باید به وسیله پزشک مورد ارزیابی قرار گیرد. ابتدا پزشک تاریخچه فامیلی (تعداد برادر و خواهر، چگونگی سلامت پدر و مادر، وجود بیماری ارثی در خانواده) وضعیت اجتماعی (چگونگی محل زندگی، وضع تغذیه خانواده، درآمد خانواده) و در صورت لزوم او برای آزمایشهای لازم اعزام می دارد. پزشک معمولاً با



معجزه ازدواج



رسد. راز چنین موفقیتی این است که عشق فارغ از خود پرستی، می تواند بر تمامی مشکلات از قبیل بحرانهای مالی، بیماری های غیر منتظره و غیره فائق گردد.

بدون شک داستان شاه «میداس» را شنیده اید که آرزویش برآورده شده بود. او از خدایش خواسته بود که به هر چه دست می زند طلا تبدیل شود. خدا نیز آرزویش را اجابت کرده، از آن پس شاه میداس با نتایج مصیبت باری مواجه شد! بگذارید بپرسم که اگر شما قرار بود یک آرزویتان برآورده شود، چه می خواستید؟

سلامتی؟ ثروت؟ طول عمر؟ خوشبختی؟ شاه میداس فکر میکرد ثروت بی پایان می تواند خوشبختی به همراه داشته باشد. ولی هنگامی که به چنین ثروتی دست یافت، در دام تنهایی و بدبختی اسیر شد. هر کجا که قدم می گذاشت و هر چه می دید درخشش زرین داشت و با این وجود آرزوی مرگ می کرد. زیرا مردمی که می توانستند به این اشیاء زرین معنا بدهند، افراد خانواده اش و همه عزیزانش، در اثر تماس دست او به جسمی بی جان و طلایی تبدیل شده بودند!

پس آرزوی شما چیست؟ اگر آرزویتان عمر طولانی باشد، حتما می خواهید یک همراه هم در این زندگی داشته باشید. اگر آرزوی سلامتی دارید

هر ازدواج موفق و سعادت مندی را باید معجزه عشق دانست. مردان و زنان بی شماری را می شناسم که نیروی معجزه آسای عشق، آنان را از چنگ مرگ و نیستی رها کرده است. با وجود دوران سختی که در آن به سر می بریم هنوز هم می توان اشخاصی را مشاهده نمود که زندگی زناشویی موفق دارند. برخی از آنان ۲۵ سال و برخی دیگر ۵۰ سال است که با خوبی و خوشبختی در کنار یکدیگر به سر می برند. این افراد را باید نمونه های زنده ای دانست از این حقیقت که عشق حاصل از ازدواج، می تواند رشد یابد و علی رغم تمام مشکلاتی که در مسیر ازدواج وجود دارد، تداوم یابد و سرشار از موفقیت گردد.



بدون تردید، هیچ ازدواجی را نمی توان یافت که عاری از مشکلات باشد. همه ما سهم خویش را از بحرانها، مشکلات و دشواریهای زندگی خواهیم برد. یک ازدواج موفق نه تنها تمام این دشواری ها را پشت سر می گذارد بلکه با وجود آنها به رشد و شکوفایی می

تولیدات نرم افزاری:



اپلیکیشن اندرویدی سرایش
کارگاه مجازی شعر
و داستان نویسی



نرم افزار قرآنی مرسلات
ترجمه ی سه زبانه گویا
نهج البلاغه و مفاتیح الجناح



سفر مجازی به مسجد
پیامبر اعظم (ص) واحد ابر:



سامانه‌ی پیامکی بسام هر لحظه منتظر دریافت پیام‌ها، پیشنهادات و انتقادات شما عزیزان میباشد:

۵۰۰۰۲۲۰۶۳۳۶



راستین، معجزه ای است که تمامی فراز و نشیب های دنیای بی رحم و اندوهبار را به چالش می کشد.

یک خانم متاهل خوشبخت که شصتمین سالگرد ازدواجش را جشن می گرفت، به خدمتکاری که داشت با او مصاحبه می کرد گفت: «هیچ کس نمی تواند به تنهایی مسیر عشق را طی کند و به آن دست یابد.»

عشق چیزی در آن دور دست ها نیست. عشق با شماسه و در درون شما. می توانید به همراه شریک زندگی تان آن را شکوفا ستزید. زندگی زناشویی موفق برای تمام زوج هایی که خواهان آن باشند میسر است. فقط باید بخواهید که عشق بدهید و عشق بگیرید، همدیگر را بفهمید، ببخشید، مراقبت نمایند و خوشبختی تان را تقسیم کنید. آرزوی شما برای معجزه عشق جاودان زمانی تحقق می یابد که با چنین روحیه ای وارد زندگی زناشویی شوید.

مطمئناً احتیاج به کسی دارید که این سلامتی را با او تقسیم کنید. اگر همچون شاه میداس آرزوی ثروت دارید، بی تردید به کسی نیاز دارید که گنجینه مادی خود را با او در میان بگذارید و با هم از آن لذت ببرید.

اگر ازدواج خوب و موفقی داشته باشید دیگر جا ندارد که آرزوی چیزی را داشته باشید،

زیرا کسی که در کنار شماست که حاضر است در همه چیز با شما شریک باشد! من این را معجزه عشق می نامم. دو انسان که از یکدیگر توقعی ندارند، اما هدفشان این است که در تمام دوران زندگی مشترکشان به یکدیگر عشق بورزند و این عشق را مقدم بر هر چیز دیگری در زندگی شان می شمارند. همه انسانها می توانند با همدیگر بخندند و شاد باشند اما، یک زن و شوهر عاشق در ناراحتی ها نیز می توانند با یک دیگر بگریند.

خندیدن، گرییدن، کار کردنو عشق ورزیدن و زندگی کردن با یک دیگر و برای یکدیگر بزرگ ترین موفقیتی است که دو انسان می توانند در زندگی مشترک بدان دست یابند بنابراین ازدواج





به دنبال نوبت

قسمت چهارم



بسام برگزیده کشور

آذر ۱۳۹۶ با برگزاری اختتامیه دومین جشنواره سراسری نشریات دانشگاه آزاد اسلامی به میزبانی واحد شهر قدس پس از بررسی و داوری بیش از ۱۰۰۰ عنوان نشریه، بسام منتخب نشریه ی برگزیده ی این دوره از جشنواره شد.



دکتر سید روح الله ابراهیمی در گفتگو با خبرنگار خبرگزاری آنا، درباره این دوره از جشنواره نشریات دانشجویی اظهار کرد: انتشار نشریات از سوی دانشجویان تمرینی برای نوشتن، مسئولیت پذیری، قانونمداری و در نتیجه پرورش نخبگان را در زمینه های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی باعث میشود؛ تصریح کرد: «توجه به نیازهای فرهنگی محیط دانشگاه ها از جمله نشریات دانشجویی میتواند زمینه را برای حضور موفق دانشجو در عرصه های مختلف جامعه فراهم کند.»

که منشی گفت: ولی میتونی یه کاری کنی شهردار برا نهار که میره میتونی ببینش امیر خنده ای شیرین بر لبانش نشست و گفت: اشکال نداره تا نهار منتظر میمونم تا از اتاقش بیرون بیاد

منشی: ولی نمیدونم چه کاری؟ حاضری سه ساعت منتظر بمونی

امیر سکوت کرده بود و به موزاییک های کف سالن خیره بود و گاه به در دیوار.

تیک تاک ساعت امیر از دنیای خیال بیرون کشید دید یه مرد با موهای جوگندمی، قد بلند که لباس رسمی تنش بیرون اومد و خیلی هم عبوسه.

امیر بلند شد رفت سمتش روبه روش و ایستاد

امیر: آقا ببخشید یه چند لحظه کارتون دارم مرد نگاهی به پسره انداخت وبا تعجب گفت: خوب کارت چیه آقا پسر؟

امیر: اینطوری نمیشه بفرمایید رو نیمکت بشنید تا بگم

اینقدر امیر این حرف محکم و با ثبات میگفت که مرد نتونست که حرفی بزنه رو نیمکت نشست.

شهردار روبه روی امیر بود و آن تلالو چشمای امیر میدید و از این همه شوق زندگی کردن امیر به وجد آمده بود

امیر: آقای شهردار من مال ده بختیار هستم

شهردار: خوب

امیر: یک هفته است که برق روستای ما رفته و هنوز کسی اقدام نکرده

شهردار اخماش تو هم رفت گفت: من که به رئیس شورا گفتم که مشکل حل میکنند ولی چرا نشده؟ و چرا یه بچه رو دوباره فرستادند

امیر: نه من خودمم اومدم اینطوری که همیشه و هنوز برق ما قطعه

شهردار ناراحت بود که یه پسر کوچیک داره به اون این حرفارو میگه بلند شد که بره.

امیر: آقای شهردار لطفا پیگیری کنید

شهردار نگاه معنی داری کرد رفت...

ادامه داستان را در شماره بعدی همراه ما باشید

امیر تابستان تو خونه بود برق روستاشون چند روزی بود که رفته بود چند بار هم شورای روستا رفته بودند اعتراض کرده بودند ولی فایده ای نداشت داشت یک هفته میشد که طول کشیده بود، امیر دیگه از ماجرا خسته شده بود تصمیم گرفت خودش به شهردار مراجعه کنه تا بتونه مشکل حل کنه.

وارد یه راهروی بلند شده بود که پر از اتاقای درهم برهم بود دنبال اتاق شهردار بود که با نگاهی گذار به اتاقا پیداش کرد قلبش داشت می کوبید ترسیده بود به خودش میگفت به تو چه بابا، بزرگتر از من نتونستد مشکل حل کنند بعد دوباره خودش دلداری میداد که نمیشه باید یکی یه کاری کنه.

با قدم های کوتاه نزدیک شد و منشی رو مقابل خودش دید منشی با نگاه خیره و تعجب از اینکه یه پسر ۱۶ ساله اینجا چیکار میکنه و بالحن که ملایمت ازش می بارید

گفت: سلام

امیر: سلام

منشی: آقا پسر اینجا چیکار داری؟

امیر: اومدم شهردار ببینم

منشی خنده کوچیکی زد: نمیشه که باید وقت میگرفتی بعدش فکر نکنم شهردار بخاد یه بچه رو ببینه.

امیر نگاه مایوسانه ای به زمین کرد رو یکی از نیمکت های نزدیک نشست فکرش مشغول بود که چطور میتونه شهردار ببینه، یه ربعی گذشته بود



آیا خواندن هر کتابی برای انسان مفید است یا نه؟

درباره ای این مسئله نظرهای مختلفی داده شده و دیدگاه های متفاوتی وجود دارد. متأسفانه در جامعه ما به این موضوع کمتر اهمیت داده می شود. همان طور که مثال: فیلم دوره سنی دارد کتاب هم همین طور و اضافه می کنم که خواندن بعضی از کتاب هام مفید نمی باشد. کتاب باید به گونه ای باشد که باعث رشد فرد و حرکت انسان به سوی کمال شود.

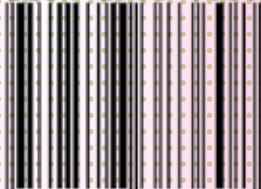
اکثراً جوان های ما به دنبال کتاب های هستند که نویسندگان خارجی نوشته شده، قابل ذکر است که بسیاری از این کتاب ها جالب و مطالب مفیدی دارند اما فراموش نکنیم که آن ها با دیدگاه یک فردی است که در جامعه ما حضور ندارد و به خیلی از مسائل از بعد دیگر نگاه می کند که شاید در جامعه ما مورد قبول نیست. یک سری کتاب های که واقعا از نظر محتوا پوچ هستند وارد بازار می شوند که شاید اثری بر روی جامعه نداشته است.



طوفان بسام به تهران رسید!

مهر ۱۳۹۶ با شروع سال تحصیلی جدید، با همت دست اندرکاران بسام و با همکاری مسئولین محترم سازمان اسناد ملی و کتابخانه عمومی مجله ی بسام موفق به اخذ شماره بین المللی نشریات شد. اینک عدم محدودیات توزیعی و همینطور رسمیت این نشریه پیش از پیش در حال درخشیدن است.

ISSN 2588-3836



9 772588 383608

آبان ۱۳۹۶ همزمان با شروع بزرگترین رخداد مطبوعاتی کشور در تهران، بسام با تمامی شمارگان مجله خود در نمایشگاه مطبوعات سال حضور پیدا کرد و میزبان مخاطبان از تمام اقشار جامعه، مسئولین، وزیران، خبرنگاران بوده است.



هم خوانی ندارد شاید نویسندگان باید به این فکر بیفتند که بیشتر به این موضوع اهمیت بدهند. به این مقوله باید بیشتر پرداخت کرد و مسئله ای دیگری برای نوجوانان و کودکان کتاب کمتری کار می شود وقتی مراجعه به کتاب فروشی می کنی کمتر کتابی مربوط به این دوره سنی پیدا می شود و اینکه ما باید با اعتماد به نویسندگان ایرانی به آن ها این فرصت بدهیم که کارهایشان دیده شود.

کتاب خواندن کار بسیار شایسته ای که جایگزینی ندارد اما مثل بقیه چیزها باید به شیوه ای درستی از آن استفاده کرد. کتاب های بسیار جالب و قابل فکر کردن با عنوان نویسندگان ایرانی داریم که حتی بعضی از آن ها در کشورهای مختلف ترجمه شده، کتاب می تواند باعث رشد علمی فرد شود در زمینه های علمی و یک کتاب می تواند راه زندگی یک فرد را تغییر دهد پس باید دقت کنیم چه چیزی را می خوانیم و چه چیز را به ذهنمان می دهیم. یک سری کتاب ها با فرهنگ و جامعه ما





BASNA





مطرب بگو که کار جهان شد به کام ما
ساقی به نور باده بر افروز جام ما
هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق
ثبت است بر جریده عالم دوام ما

شیدای مبارک

گلر



۱۶ آذر دیگری از راه رسید. اگر ۶۴ سال پیش فریاد آزادیخواهی، استقلال طلبی و ندای مبارزه با استبداد و استکبار ستیزی دانشجویان مسلمان ایران عزیز را حاکمان جور و ستم برنمایندند و باعث شهادت سه دانشجوی استبداد ستیز آن زمان شدند، امروز هم شاهد تداوم این جریان آرمان خواهانه توسط فرهیختگان کفر ستیز کشور عزیزمان هستیم.

بزرگترین دست آورد امروز نظام جمهوری اسلامی ایران یعنی استقلال، آزادی و امنیت پایداری که باعث تحسین جهان شده است، مرهون مجاهدت جوانان انقلابی و رشیدی است که با اهدای خون خود نظام شکوهمند جمهوری اسلامی ایران را با رهبری حکیمانه امام راحل مان بنیان نهادند. اگر دیروز ادامه دهنده راه آن شهیدان را در قامت شهیدان دانشجوی هشت سال دفاع مقدس دیدیم، امروز هم جلوه آن راه مقدس را در برچیدن شجره خبیثه حکومت خودخوانده داعش توسط دانشجویان شهید مدافعین حرم شاهد هستیم.

امروز دانشجویی با بصیرت ایران اسلامی با الهام از سیره الهی - سیاسی امام امت، نصایح رهبر فرزانه انقلاب و حرکت در خط سربخ شهادت، توانسته است دور از هیاهوی تبلیغاتی دشمنان، استقلال خواهی، آزادی و عدالت طلبی و روحیه مبارزه با استکبار خود را حفظ کند.

ضمن عرض تبریک این روز بزرگ به عنوان نماد آزادی و استکبار ستیزی دانشجوی مسلمان ایرانی، یادو خاطره شهدای دانشجو را گرامی داشته و از خداوند متعال توفیق روزافزون شما دانشجویان عزیز را در عرصه فعالیت‌های علمی، پژوهشی، فرهنگی و اجتماعی مسئلت دارم.

دکتر کیان پهلوان افشاری

نمی دونست.

پرسون پرسون میرفت که یک خانم میان سال حدود ۳۵ساله که چادر سر کرده بود با روسری نارنجی به سمتش نزدیک میشه وقتی نزدیک شد به سهیل گفت: میخای کجا بری؟ من راهنمایت می کنم بعدش هم راننده به من یه خورده مزدگانی میده. سهیل ابرواش کشید بالا بعد از یه مکث کم گفت: باشه

وسط راه چندتا راننده که اون ور بودند با صدای بلند شروع کردند به گفتن: گلی باید برقصه، سهیل دفعه ای اول واکنش نشون نداد ولی دفعه ای دوم که گفتند دید مخاطبشون همون زنی که همراش.

صدای کف زدن بیشتر شد ولی خون تو روگ های سهیل بیشتر به جوشش می آمد به چهره ای اون زن نگاه کرد سرشار از آرامش ولی پر از شرم ناخودگانه به سمت چندتا مرد شد گفت: خجالت بکشید از سنتون زن همان طور نگاه می کرد و تعجب از اینکه چه جوان با غرور و با محبتی.

مردها به حرف سهیل اهمیت ندادند و ادامه دادند دیگه سهیل تحمل نکرد به سمتشون رفت و روبه روی یکیشون ایستاد گفت: خجالت بکش ضعیف گیر آوردی مرد با عصبانیت گفت: به تو چه آشناست برای ما مسافره میاره ما همیشه شوخی داریم

سهیل بیشتر خرص خورد گفت: اسم این شوخی نیست مسخرگی، اون با شرافت پول در میاره چون آشناس باید اتفاقا احترام برتش قائل بزایید.

راننده: به تو چه ها

یک دفعه مرد به سمت سهیل حمله ور شد اون به باد کتک گرفت دوستش هم اومد دونفری به جون سهیل افتادند.



صبح دل انگیزی بود وشادی از آسمان می بارید، گوشی رو ساعت زنگ دار به صدا آمد.

سهیل با چشمای پف آلود و خسته بیدار شد و به سمت گوشی خزید و خاموش کرده وده دقیقه چشماش رو هم گذاشت و به دنیای درونی خودش فکر کرد بعد از چند لحظه بلند شد به سمت آشپزخونه راهی شد صدای شرشر آب تو ظرف شویی پیچید، سهیل با خوشحالی آب به صورت می کوبید تا روحش تازه شه و از صدای آب لذت می برد همه خواب بودند به جز مادرش که براش صبحونه آماده کرده.

مادرش نگاهی به سهیل انداخت که پسرش چقدر بزرگ شده، سهیل با کلی خندوندن مامانش صبحونه رو می خورد.

کوله پشتیشو جمع کرد و لباساشو پوشید یه پیراهن سیفد با شلوار جین آبی که در قد بلند سهیل بیشنر جلوه می کرد.

سهیل: آقا میدان آزادی

راننده: باشه کدوم شهر میخای بری از آزادی؟

سهیل: دانشجوم، قزوین

سهیل چشماش بسته بود وانوار نور از روی شیشه تاکسی به صورتش می کوبید و احساس خوبی داشت.

سهیل: چقدر میشه آقا؟

راننده: قابل شما رو نداره ده تومن

سهیل کرایه رو حساب کرد و پیاده شد ولی اولین بار میخواست به شهرستان بره با اتوبوس قبلا با پدرش یا با ماشین شخصی رفته بود دوهفته اول دانشگاه رو، مکان اتوبوس های قزوین

دیرین دیرین:

این قسمت دانشجوی منشوری!!



به مناسبت روز دانشجو
دیرین درین منتشر کرد.
مسئولین مدرسه هوای
دانشجویان را داشته
باشید



سهیل نگاهش رو به پایین کرد
گفت: ببخشید استاد دیر کردم مشکلی
پیش اومد
استاد: معلومه کاملا از سر و صورتت
سهیل از حرف استاد چیزی به دل
نگرفت و رفت در یکی از صندلی های
نشست و استاد شروع به ادامه دادن
درسش کرد.
اما استاد او هیچ وقت نفهمید که سهیل
امروز درسش را آموخته بود که هیچ
گاه انسان ضعیف را به سخره نگیرید.
استاد درس میداد و لبخند ملیحی
بر روی لبان سهیل می نشست و وقتی
دوستش هی ازش می پرسید چی
شده، با کی دعوا کردی؟ سهیل با سکوت
به او جواب می داد...

روز دانشجو مبارک، دانشجویانی
که از بعد فرهنگی و علمی برای
ارتقای کشورشان از جانشان مایه
میزارند، دانشجو تو آینده ساز
کشور خودت هستی پس پیش
به سوی آینده....

گلی به سمتشون اومد بالاخره جداشون
کرد راهی شدند در سکوت.
وقتی به مکان اتوبوس های قزوین
رسیدند، گلی روبه روی سهیل و ایستاد با
گوشه ای روسریش گوشه ای لب سهیل
که زخمی شده بود پاک میکرد گفت: من
عادت کردم پسرم چرا خودت اذیت کردی؟
سهیل: تقصیر خودتون هم هست چرا اجازه
دادی شما رو مسخره کنند
گلی لبخندی زد گفت: گفت پسرم امروز
کاری کردی که فکر کنم آدم ها هنوز بی
خیال هم نشدند؟
گلی گوشه ای روسری فشار داد تا دیگه
خون نیاد از لب سهیل
سهیل هم با تمام محبت لبخندی رو به گلی
زد گفت: من دیگه باید برم خیلی دیر شده.
گلی سهیل را با چشمانی پر از دعا و تشکر
راهی کرد و از راننده یه مقداری پول
گرفت.

سهیل دوان دوان به سمت کلاس می رفت
درو کوبید با همون وضع لباس خونی، یقه
ای پاره و موهای آشفته.
وقتی وارد شد استاد به نگاهی بهش
کرد: این چه وضعشه آقای خالقی؟

طنزگرام روز دانشجو!!



جبهه زندگی

گفتگو با طاهره سقایان

کارگاه آشنایی با حقوق و قوانین مطبوعات و رسانه‌ها



با حضور تمام اعضای نشریات و اصحاب رسانه در سالن جلسات واحد ابهر با حضور دکتر برجی روز سه شنبه ۱۳۹۵/۱۲/۱۷ برگزار شد

در این دوره ضمن تشکر از تمام مسئولین و اصحاب رسانه و خاطر نشان کردن چارچوب دومین جشنواره نشریات آزاد کشور به بررسی قوانین و حقوق مطبوعات جمهوری اسلامی ایران پرداخته شد



و همچنین کارگاه آموزش نرم افزار تخصصی چاپ و نشر (ایندیزاین) اجرا شد تا ضمن حفظ استاندارد چاپ نشریات کیفیت طراحی و تولید گرافیک بصری مجلات افزایش یابد و تمام صاحبان نشریات بتوانند با اتکا بر افراد خود کار طراحی را انجام دهند

همچنین در این جلسه با حضور دکتر پویامنش (معاونت محترم دانشجویی فرهنگی واحد) دقایقی به پرسش و پاسخ بین مسئولین و دانشجویان اختصاص داده شد.

دیپیرستان را در کدام مدرسه گذرانده‌اید؟ و کدام رشته؟ دیپیرستان هجرت قزوین - رشته ریاضی فیزیک

کنکور را چگونه پشت سر گذاشتید؟

در ابتدا رشته معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر قبول شدم، ولی در همان زمان دچار یک سانحه رانندگی شدم و نتوانستم به دانشگاه بروم، بعد از مدتی که موفق به دریافت مدرک مریگیری کوهپیمایی شدم با مشورت بزرگترها برای ادامه تحصیل رشته تربیت بدنی را انتخاب کردم.

تحصیلات شما چیست؟

سال ۸۸ لغایت ۹۰ دوره کاردانی را در رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشکده سماء ابهر خوانده و سال ۹۲ الی ۹۴ مشغول به تحصیل در رشته کارشناسی ناپیوسته تربیت دبیر تربیت بدنی شده و سال ۹۴ الی ۹۶ دوره کارشناسی ارشد رشته مدیریت ورزشی گرایش بازاریابی در ورزش را در دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر گذراندم.

در کجا دنیا آمده اید و خانواده دارای چند فرزند بوده و شما فرزند چندم هستید؟ در قزوین به دنیا آمدم.

فرزند اول خانواده و دارای یک خواهر و دو برادر هستم.

در کودکی رویایی شما چه بوده؟ از زمان کودکی رویای معلم ریاضی شدن را داشتم.

در دانشگاه مشغول چه کاری هستید؟ استاد حق التدریس در گروه تربیت بدنی و دبیر کانون هلال احمر دانشجویی هستم.

از فعالیت های که در زمینه کانون هلال احمر انجام دادید همیشه توضیح دهید؟ از سال ۹۳ فعالیت خود را در کانون هلال احمر دانشگاه شروع کرده و تا کنون نیز ادامه داده ام. طی این زمان کارها و برنامه های متعددی توسط کانون اجرا کردیم که به طور مختصر می توان به مانور های امدادی در محیط خوابگاه و دانشگاه همراه با عملیات راپل توسط بانوان، برپایی پایگاه های سلامت در هر ترم جهت تست قندخون، فشار خون و BMI برای کارکنان- اساتید- دانشجویان، برگزاری جشنواره غذای سالم، اردوی یکروزه قلعه رودخان، برگزاری برنامه پیاده روی به مناسبت های مختلف در دانشگاه، برگزاری کلاس های کوهپیمایی

مخصوص دانشجویان و ... اشاره کنم. **چگونه وارد هلال احمر شدید؟** از سال ۷۸ که اول دیپیرستان بودم از طریق کلاس کمک های اولیه با سازمان هلال احمر شهرستان قزوین آشنا شدم و بخاطر علاقه به کارهای امدادی کلاس های تکمیلی و تخصصی امداد و نجات کوهستان را گذراندم و سال ۸۰ سرپرست تیم خواهران گروه امداد کوهستان در قزوین را شدم، همان سال زلزله شهرستان آوج بخش آبگرم بخش آبگرم روستای چنگوره و ... اتفاق افتاد که بهانه ای شد برای شرکت در کلاس های حمایت های روانی هلال احمر. پنجم دی ماه سال ۸۲ روز جمعه که برای صعود به قله سلطان اویس قزوین رفته بودیم خبر زلزله بم را شنیدیم و مجبور به بازگشت و صرف نظر از صعود شدیم، همان روز تیم قزوین به منطقه زلزله زده اعزام شد و روز شنبه یک گروه ۲۴ نفره از خانم های امدادگر قزوین برای کمک رسانی به منطقه اعزام شده و به مدت یک هفته در منطقه حضور داشتیم که برای من تو سن ۱۸ سالگی تجربه خاصی محسوب می شد.

هدفتان در زندگی چیست؟ اول اینکه دوست دارم بهترین مدرس کوهپیمایی بشم تو کل ایران و کارآموزایی رو تربیت کنم که بهترین باشن تو رشته کوهپیمایی، و بعدش اینکه بتونم تا چند سال آینده بتونم یک شیرخورگاه به اسم "لبخند خدا" تاسیس کنم و کودکان بی سرپرست و بد سرپرست رو اونجا از شون مراقبت کنم.

حرفی دارید که تا حالا بیان نکرده اید و این موقعیت را خوب می دانید تا بیان کنید؟ آموزش در هر جامعه باید در راس همه امور قرار داشته باشد، جامعه دور از علوم روز مانند درخت بی بهره میماند و این اصل تحقق نخواهد یافت مگر با تلاش و پشتکار اساتید و دانش آموختگان همان جامعه. ولی استادی که دغدغه اش سیر کردن شکم خود و خانواده اش باشد دیگر دلسوز کار آموزش نخواهد بود و همچنین کار آموزی که با هدف کسب درآمد به دنبال علم آموزی ست هرگز ملزم به تحقق آموخته هایش نمی باشد و فقط به سیر کردن شکمش فکر خواهد کرد. . ایکاش بتوانیم دغدغه کسب درآمد را خصوصا برای کسانی که آموزش نجات جان هموعان و انسانها هدف آنهاست را از میان برداشت.





به همت معاونت فرهنگی دانشجویی و کانون بسام کتابچه‌ی معرفی ظرفیت‌ها و زیرساخت‌های دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر طراحی و منتشر شد.

ارائه‌ی توضیحات کامل از شهر اهر و نقطه‌ی جغرافیایی دانشگاه لیست تفکیک بندی شده‌ی رشته‌های تحصیلی در هر دانشکده با معرفی زیرساخت دانشکده عملکردها و فعالیت‌های منحصر به فرد انجام شده در کنار آلبوم تصاویر از تک تک نقاط این مرکز آموزشی بخشی از موارد موجود در این کتابچه میباشد. برای دانلود نسخه‌ی الکترونیکی میتونید رمزینه زیر را اسکن نمایید:



رفته بودند که روستائیان نام روستا‌ها را کوئیک میگفتند. وضعیت بسیار بد و نامناسب بود که بدون فوت وقت عملیات امداد رسانی فوریت‌های پزشکی تقسیم لوازم اولیه امدادی و حمایت روان را در دستور کار قرار داده و اجرا میکردیم. سپس نزدیک صبح به روستای عسکر خانی برگشتیم تا کمی استراحت کرده و قوای از دست رفته را بازیابی کنیم که در همان مدت کوتاه استراحت سه پس لرزه پشت سرهم با قدرت زیاد آمد که تقریباً خواب و استراحت را از چشمانمان برد. فردای آن روز چون هواشناسی خبر از ورود سامانه بارشی را داده بود مقادیری مشمع جهت آب بندی چادرهای امدادی به روستاها برده و تقسیم کردیم و متأسفانه بغلت آلودگی منطقه بیماری اسپهال و استفراغ شیوع پیدا کرده بود که سعی در برطرف کردن آلودگی و درمان بیماران داشتیم که بسیار کار سختی بود.

روز بعد نیز به همین منوال سپری شد و نهایتاً به اهر بازگشتیم. منطقه از لحاظ امدادی و کمک‌های مردمی کاملاً پوشش داده شده بود. چادر، غذا، پتو سیستم گرمایشی، خوراک و آب آشامیدنی، بیمارستانهای صحرایی و مراکز درمانی همه و همه دست به دست هم وضعیت بد منطقه را پوشش داده بودند ولی مشکلات عدیده هم بود مانند سطح پایین بهداشت و تجمع زباله به خصوص در سرپل ذهاب که موجب بروز بیمارهای عفونی و بیماریهای خطرناک شده بود مردم منطقه را بیش از پیش نگران کرده بود.

با توجه به اینکه تازه از کرمانشاه برگشتید می‌توانید کمی در این باره توضیح بدهید؟ دو روز پس از وقوع زلزله روز یکشنبه شب کرمانشاه مورخ ۲۱ آبان، طی جلسه‌ای که با جناب آقای صدری مسئول محترم امور دانشجویی داشتیم تصمیم به برقراری کمپی برای جمع‌آوری کمک به زلزله‌زدگان گرفته شد و پس از هماهنگی با هلال احمر روز چهارشنبه صبح ساعت ۹:۳۰ دقیقه جمع‌آوری کمک‌ها را شروع کردیم. با کمک هیات مدیره، اساتید، کارمندان و دانشجویان طی دو روز کمپهای نقدی و غیر نقدی که بالغ بر ۲۰۰ میلیون ریال گردید را جمع‌آوری و روز جمعه صبح با همکاری نیروهای بسیج دانشجویی زنجان عازم کرمانشاه شدم.

پس از عبور از کرمانشاه و رسیدن به منطقه سرپل ذهاب به یکی از روستاهای منطقه بنام روستای عسکر خانی رفتیم که بعنوان محل استقرار ما تعیین شده بود. عملیات امداد رسانی را از همان ساعت‌های اول استقرار آغاز کردیم و تقریباً تمام طول شب به بازدید از خانه‌های روستای عسکر خانی و کمک‌رسانی گذشت. صبح روز بعد هم به همراه نیروهای سپاه مستقر در روستای عسکر خانی به ۶ روستا رفتیم و امداد رسانی کردیم. عمده کار من با توجه به تخصصم در زمینه فوریت‌های پزشکی بود و همچنین مراقبت‌های بهداشتی بانوان و کودکان را عهده دار بودم. بعد از ظهر مجدداً به روستای عسکر خانی برگشتیم و با خانم‌های روستا در تهیه غذای گرم به امدادگران حسینی‌ه اعظم زنجان کمک کردیم. همان شب پس از تقسیم غذا با نیروهای سپاه عازم روستاهای اطراف سرپل ذهاب شدیم. متأسفانه چندین روستا به طور کامل از بین

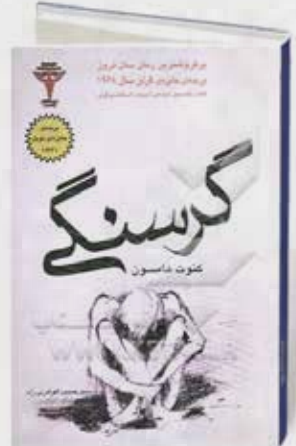
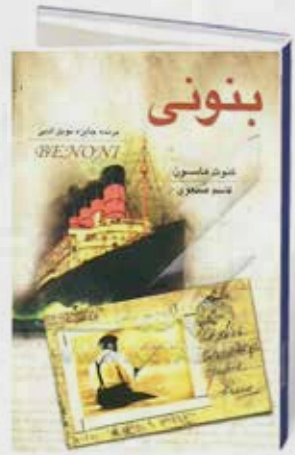




رازها این بیان لعیف بازی های متنوع بودن و نمودن، رمان روانشناسی عمیق است. کنوت هامسون، نویسنده بزرگ نروژی و برنده جایزه نوبل ادبی، در این داستان غم انگیز عاشقانه، لایه های پی در پی ضمیر خودآگاه و ناخودآگاه قهرمانش ناگل را آشکار می کند و از خواننده دعوت به عمل می آورد که خود به تفسیر و تعبیر عمیق افکار او بپردازد. میل به امر تخیلی، حس پرست، و نیز نویدی عمیق هامسون در قبال اقدام مثله گر جامعه شهری، از طریق ناگل بیان می شود...



کنوت هامسون





وت

ون



رو بند

خانه چراغانی بود.

توزیع؛ چالش پیش روی نشریات دانشجویی



خبرگزاری دانشجویان ایران

مدیر مسئول نشریه دانشجویی بسام گفت: با توجه به حجم بالای نشریات منتشر شده، فرآیند توزیع یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی نشریات دانشجویی بین‌دانشگاهی است.

مهدی محمدی در گفت‌وگو با خبرنگار ایسنا، اظهار کرد: نشریات از اولین رسانه‌هایی بوده که در انتقال اطلاعات بین افراد در دسترس قرار داشتند و جامعه دانشگاهی کشور یکی از پتانسیل‌های جامع اطلاعاتی کشور محسوب می‌شوند، تبادل به‌روز اخبار، دانش و اطلاعات بین جامعه دانشگاهی نیاز اساسی است و نشریات دانشگاهی در چارچوب قوانین ناظره، حجم قابل توجهی از این نیاز را پاسخگو شدند و مخصوصاً نشریات زنجیره‌ای بین دانشگاهی که تبادل اطلاعات را در بین دانشگاه‌های مختلف در شهرهای مجزا را بر عهده دارند، توانستند در این زمینه حضور جدی داشته باشند و دانشجویان کشور با روش‌های نوین مطبوعاتی هر ساله با عملکرد بهتری نسبت به قبل در این عرصه ظاهر شدند که ثمره آن را امسال در نمایشگاه مطبوعات کشور در تهران مشاهده کردیم.

وی تصریح کرد: با وجود مشکلات بسیار در راه انتشار خارج از محدوده مجوزهای نشریات دانشجویی، همکاری مسئولان با دانشجویان قابل توجه و تشکر است، در سال‌های اخیر که انتشار نشریات به روش کاغذی و تنها در محدوده دانشگاه و حتی شاید محدود به دانشکده‌ای خاص بود ولی هم‌اکنون شاهد رشد چشم‌گیر هستیم. از انتشار یک نشریه در قالب‌های گوناگون آن هم در کمتر از چند ساعت و مهم‌تر در چند دانشگاه که این زنجیره ارتباطی و انتشاری بین نشریات در دانشگاه‌ها و نقاط مختلف کشور با همکاری معاونت‌های فرهنگی دانشجویی واحد صورت گرفته که به دانشجویان مجوز تبادل بین دانشگاهی را می‌دهد.

مدیر مسئول نشریه دانشجویی «بسام» که در دانشگاه آزاد اهر منتشر می‌شود، خاطرنشان کرد: باید گفت نشریات

همه‌ی دیوارهایش را ریشه کشیده بودند. بچه‌ها دور حیاط می‌دویدند و ریشه می‌رفتند. بزرگ‌ترها دورم را گرفته بودند و کل می‌کشیدند.

همه بودند. صداهایشان را می‌توانستم از

زیر چادر سفید و تور عروسی

بشنوم و بشناسم. حتی

پیچ هاشان را.

همه بودند. بجز عباس.

از پیچ پیچ‌ها فهمیدم که

عده‌ای دارند دنبال

عباس می‌گردند.

پدرم وارد اتاق شد.

چادر سفیدم را

کشید روی صورتم،

دستم را گرفت و

گذاشت دست داماد.

برایمان دعا کرد.

چادر سفید نمیگذاشت

غم صورتم دیده شود.

منتظر بودم عباس برای

خداحافظی و بدرقه بیاید

. اما نیامد.

نتوانسته بودند عباس را پیدا کنند.

یاد بازی‌های دوران کودکی‌مان افتادم.

داداش عباس خیلی تیز بود. در بازی قایم باشک،

جایی قایم می‌شد که نمیشد پیدایش کرد. و امروز،

روز عروسی من، قایم باشک بازی اش گرفته بود.

هیچ وقت فکر نمی‌کردم یک روز باید از عباس

جدا شوم.

رو بند ابریشمی قرمز را سرم انداختند، بزرگ‌ترهای

فامیل یکی یکی روی رو بندم با سنجاق پول می

زدند و برای خوشبختیمان دعا می‌کردند. تور و

چادر و رو بند مانع دیدم شده بود. فقط از روی صدا

تشخیص می‌دادم با چه کسی حرف می‌زنم. هنوز

به آمدن عباس امید داشتم، اما هیچ کدام از صداها

صدای عباس نبود.

عباس !!

تو آن روز در اوج آن همه هیاهوی

عروسی دور از چشم همه

در پشت بام خانه قایم

شده بودی و به خاطر جدایی

از من اشک می‌ریختی.

حالا نوبت قایم شدن من است.

بلند شو و به من بگو من

کجا بروم قایم شوم

و گریه کنم بخاطر

جدا شدن از من؟



عباس!

دل‌م یک رو بند می‌خواهد. رو بندی که زیر آن، گریه‌هایم

دیده نشود.

ای کاش من هم مثل حضرت زینب (س) همراهی برادر

در تمام سفرها را شرط ازدوایم قرار می‌دادم.

عباس جان دل‌م بدجور برایت تنگ شده، دل‌م را برمی

دارم، دست بچه‌هایم را می‌گیرم، به گلزار شهدا می‌آیم

دستم را می‌کشم روی سنگ نوشته‌ات. و بعد، دستم را

می‌گذارم روی قلبم و خدا را به حضرت زینب (س) قسم

می‌دهم صبر نداشتنت را به من بدهد.

آخر، داغ بی برادری خیلی سخت است.

تیر خبری

دانشجویی وارد عرضه جدیدی شده، عرضه‌ای که محتوای غنی، قالب‌های گوناگون و انتشار در مناطق مختلف تبلور افتخار آن است و آرزومندیم که پیشرفت به اینجا خلاصه نشود و بیش از پیش شاهد پیشرفت فعالیت در حوزه انتشار نشریات دانشجویی به‌ویژه نشریات دانشجویی بین دانشگاهی باشیم.

محمدی با اشاره به نحوه هم‌افزایی دست‌اندرکاران نشریات دانشجویی بین دانشگاهی، تاکید کرد: همانطور که می‌دانیم فناوری اطلاعات تمام زندگی بشر را به گونه‌ای تغییر داده و آسان کرده که این تغییر در بخش نشریات، حتی بیشتر از سایر موضوعات دیده می‌شود. مدیر مسئول نشریه دانشجویی بسام تصریح کرد: با همکاری صورت گرفته بین مسئولان در سازمان کل دانشگاه آزاد اسلامی و به پیشنهاد نمایندگان فعالان دانشجویی شبکه مجازی بین تمام فعالان دانشجویی در تمام واحدهای دانشگاهی صورت گرفته که امر تبادل و گفت‌وگو و هم‌اندیشی بین این اهل قلم را تسهیل کرده. این شبکه که به نام اندیشکده نشریات دانشجویی نام‌گذاری شده، علاوه بر حضور دانشجویان، میزبان مسئولین ذی‌ربط از واحدها و سازمان است و دانشجویان به سهولت می‌توانند جهت همکاری متقابل با ایشان ارتباط برقرار کنند.

این فعال عرضه نشریه دانشجویی در خصوص استفاده از فضای مجازی در عرضه فعالیت نشریات دانشجویی، خاطرنشان کرد: فضای مجازی واژه‌ای است که امروزه دیگر برای کمتر کسی ناشناخته است. یقیناً دانشجویان که انرژی‌های پیش‌برنده کشور هستند از این قافله عقب نمی‌مانند. درست است که به سهولت قابل دسترسی است اما باید ذکر کنیم که هر حرکتی از سمت نشریات زیر ذره‌بین قشر عظیمی از افراد است، از مسئولان کشوری گرفته تا مسئولان واحد دانشگاهی، زیرا برای فعالیت نشریات علاوه بر قالب سنتی در قالب حوزه مجازی باید کسب مجوز از مراجع ذی‌ربط اخذ شود.

محمدی تصریح کرد: پس از اخذ مجوز از معاونت‌های مربوطه هر دو دانشگاه در بخش تبادل نشریاتی مشکل چندانی وجود ندارد. مشکل پیش‌رو در توزیع نسخه چاپ شده به صورت متقابل در واحدهاست به گونه‌ای که ارسال حجم بالای مجله که شاید به بالای ۶۰۰ کیلو وزن پیدا کند از واحد مبدا به مقصد است که امیدواریم بین دانشگاه و اداره پست کشور همکاری لازم صورت بگیرد.

رونمایی از تمبر جوان ترین شهید مدافع حرم در مراسم بزرگداشت روز دانشجو



عضو هیئت‌رئیس مجلس شورای اسلامی گفت: به احتمال زیاد ۵ روز از روزهای تعطیل فعلی از تقویم تعطیلات کشور حذف خواهد شد.



ایران در مراسم قرعه کشی جام جهانی ۲۰۱۸ که در روسیه برگزار شد با پرتغال، اسپانیا و مراکش هم گروه شد



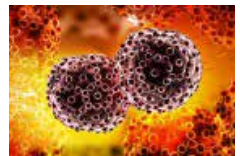
عضو سابق اتاق فکر سازمان مدیریت بحران کشور گفت: زلزله کرمانشاه ۷/۳ ریشتر بود که قدرت آن ۷۰۰ برابر بمب اتمی هیروشیما بود و در ۱۸ کیلومتری زیر زمین آزاد شد.



گروه تروریستی داعش اعلام کرد که جشن سال نو میلادی در کشورهای مختلف را به جهنم تبدیل خواهد کرد و دست به اقدامات تروریستی خواهد زد.



رئیس انجمن آنکلورادیوتراپی ایران گفت: سالانه حدود ۱۰۰ هزار بیمار سرطانی در کشور به تعداد مبتلایان افزوده می‌شود.



رئیس سازمان انرژی اتمی از رونمایی باتری اتمی در ۲۰ فروردین ۱۳۹۷ خبر داد.



درخشش مجلات دانشجویی واحد ابهر در دومین جشنواره سراسری نشریات: بسام: برگزیده ی کشوری فرجو: رتبه واحدی حریم ریحانه: رتبه واحدی



کدبانو

مراجع دریافت بسام:



سوپ عدس

مواد لازم:
عدس خام: ۴ فنجان
هویج خرد شده خام: ۲ فنجان
آب مرغ بدون چربی: یک لیوان
اسفناج خرد شده:
یک و نیم فنجان
سیب زمینی استامبولی خرد شده:
۲ فنجان
پودر آویشن:
نصف قاشق چای خوری
زرد چوبه: یک سوم ق.چ
نمک: به میزان لازم

طرز تهیه :

عدس ها را پاک کرده و بشوید. سپس آنها را همراه با کمی آب داخل قابلمه بریزید تا بپزد. در این فاصله، هویج ها را پوست کنده، بشوید و به شکل دلخواه خرد کنید. سیب زمینی ها را پوست کنده، بشوید و به شکل حلقوی خرد کنید. اسفناج ها را پاک کرده، خیس کنید و بعد از ۵ دقیقه بشوید و بگذارید آب آن برود. سپس اسفناج ها را هم خرد کنید. بعد از اینکه عدس کمی نیم پز شد به آن پودر آویشن، دارچین و زردچوبه را اضافه کرده و ۲ لیوان آب جوشیده نیز اضافه کنید. کمی بعد، ابتدا هویج را به عدس ها اضافه کنید. هویج که نیم پز شد، به آن اسفناج خرد شده را اضافه کنید. بیست دقیقه مانده به سرو سوپ، آب مرغ را اضافه کرده و بعد سیب زمینی ها را اضافه کنید. زیر شعله را کم کنید تا سوپ کاملا جا بیفتد.

نکته یک: یک چاشنی این سوپ می تواند آب لیمو ترش تازه باشد. البته می توانید در مرحله آخر پخت، همراه با اضافه کردن آب مرغ، کمی غوره تازه به سوپ اضافه کنید

نکته دوم: در فصل آن، می توانید علاوه بر مواد ذکر شده، کمی هم شغلم به سوپ بیفزایید

basammag.ir

pand.snn.ir/basam/

https://www.iaumag.ir/publications/554/

https://www.aparat.com/basammag

پرتال رسمی بسام

خبرگزاری دانشجو

سامانه نشریات دانشجویی

کانال آپارت

بسام از تمامی علاقه مندان (دانشجویان، اساتید، کارمندان، نویسندگان و...) عضو میپذیرد.





بسام برگزیده ی جهنواره کشوری شهریات
این مقام را مدیون همراهی شما عزیزان هستیم

ISSN 2588-3836



9 772588 383608